



مطالعه تطبیقی حقوق مهاجران افغان در ایران با معیارهای بین‌المللی (با توجه به تنش‌های خاورمیانه)

سیدخلیل کوهی*

چکیده

نگارش حاضر به تحلیل وضعیت حقوقی مهاجران افغان در ایران و مقایسه آن با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر و حقوق پناهندگان اختصاص داشته، بر اهمیت هماهنگی سیاست‌ها و قوانین ایران با تعهدات بین‌المللی تأکید کرده است. این مقاله، به صورت کیفی با روشی توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای و اسناد بین‌المللی، چارچوب حقوقی حاکم بر مهاجران افغان، در ایران را در حوزه‌های مانند دسترسی به اقامت قانونی، حقوق کار، دسترسی به تعلیم، خدمات صحتی، تابعیت و حمایت در برابر اخراج اجباری مورد بررسی قرار داده و به این سوال که قوانین و رفتار مهاجرتی ایران چه اندازه با معیار جهانی موافق است، پاسخ داده است. یافته‌ها نشان داد که اگرچه ایران میزبان بزرگی برای افغان‌ها بوده و اقداماتی در جهت ادغام آن‌ها انجام داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که شکاف‌های قابل توجهی بین عملکرد ایران و استانداردهای بین‌المللی در زمینه حقوق پناهندگان وجود دارد. چالش‌هایی مانند وضعیت نامشخص اقامت، محدودیت‌های دسترسی به بازار کار رسمی، موانع تحصیل برای برخی و خطر اخراج دسته جمعی، از جمله مسائل عمده هستند. بحران خاورمیانه، به ویژه تنش‌های میان اسرائیل و ایران، تأثیرات گسترده‌ای بر امنیت منطقه و وضعیت مهاجران افغان در ایران داشته است. این بحران‌ها موجب پیچیدگی بیشتر در شرایط اقامتی، اجتماعی و اقتصادی مهاجران شده است.

کلمات کلیدی: اخراج اجباری، ایران، حقوق بین‌الملل پناهندگان، حقوق بشر، کنوانسیون ۱۹۵۱، مهاجران افغان.

* استاد پوهنتون بامیان

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله و صحبه اجمعين؛ اما بعد:
حضور گسترده شهروندان افغان در ايران پديده‌اي است که ريشه در دهه‌ها ناآرامي و درگيري در افغانستان دارد. موج‌هاي اصلي مهاجرت به دنبال تهاجم شوروي در ۱۹۷۹، جنگ‌هاي داخلي دهه ۱۹۹۰ و به‌ويژه پس از سقوط دولت قبلي به دست امارت اسلامي در سال ۲۰۲۱ شکل گرفته‌اند (UNHCR, 2023).

ايران، علي‌رغم تحمل فشارهاي اقتصادي و اجتماعي ناشي از تحريم‌ها، همواره يکي از ميزبان‌هاي اصلي پناهندگان و مهاجران افغان در جهان بوده است. برآوردهاي اخير، تعداد اتباع افغان در ايران را بين ۳ تا ۵ ميليون نفر نشان مي‌دهد که بخش قابل‌توجهي از آنها را کودکان تشکيل مي‌دهند (Amiri & Tafreshi, 2022; HRW, 2023).

اين حضور طولاني مدت و گسترده، ضرورت بررسي وضعيت حقوقي اين گروه بزرگ انساني را از منظر تعهدات بين‌المللي ايران دوچندان مي‌کند. با توجه به اين مطلب که در اين اواخر اخراج اخباري مهاجران فاقد مدرک از ايران به صورت بي‌رويه‌اي آغاز شده است (<https://www.isna.ir/news>). ايران اگرچه به کنوانسيون ۱۹۵۱ ژنو مربوط به وضعيت پناهندگان و پروتکل ۱۹۶۷ الحاقی به آن نپیوسته است، اما عضو بسياري از معاهدات اصلي حقوق بشري از جمله ميثاق بين‌المللي حقوق اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي^۱، ميثاق بين‌المللي حقوق مدني و سياسي^۲، کنوانسيون حقوق کودک^۳ و کنوانسيون رفع کليه اشکال تبعيض عليه زنان^۴ است. اين معاهدات حاوي تعهداتي هستند که شامل تمام افراد تحت صلاحيت يک کشور عضو، اعم از شهروند و غيرشهروند، مي‌شود. علاوه بر اين، اصول حقوق بين‌الملل عرفي، مانند اصل منع بازگرداندن^۵ و اعلاميه جهاني حقوق بشري، نيز براي ايران الزام‌آور هستند (Hathaway, 2021).

¹ ICESCR

² ICCPR

³ CRC

⁴ CEDAW

⁵ Non-Refoulement

هدف اصلی این مقاله، انجام یک مطالعه تطبیقی نظام‌مند میان حقوق اعطاشده به مهاجران افغان در چارچوب قوانین و رویه‌های داخلی ایران از یک سو و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر و حقوق پناهندگان از سوی دیگر است. پرسش محوری این است: «قوانین، سیاست‌ها و رویه‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال مهاجران افغان تا چه میزان با معیارهای بین‌المللی حقوق بشر و حقوق پناهندگان سازگاری دارد؟» این مقاله اطلاعات مورد نیاز را از طریق بررسی منابع کتابخانه‌ای، اسناد حقوقی داخلی و بین‌المللی، و گزارش‌های سازمان‌های معتبر جمع‌آوری نموده و با رویکرد کیفی و به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی خواهد گرفت. ساختار مقاله نیز به گونه‌ای است که ابتدا مفاهیم بنیادی بررسی شده سپس چارچوب حقوقی که ایران در قبال مهاجران افغانستان اتخاذ نموده بررسی خواهد شد. در ادامه چارچوب‌های حقوقی بین‌المللی که در حمایت از مهاجرین تدوین شده، بررسی می‌گردد. سپس منابع داخلی و حقوق بین‌الملل به طور تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته و برای فهم بهتر قوانین کار و پروتکل‌های اجرایی مهاجرت در ایران، پاکستان، آمریکا و اتحادیه اروپا نیز به طور تطبیقی بررسی می‌شود. برای روشن وضعیت پناهندگان و مهاجرین افغان، تأثیر تحولات جدید در خاورمیانه بر وضعیت آن‌ها بررسی خواهد گردید. در نهایت با ارائه راهکارهای عملی برای بهبود وضعیت پناهندگان و نتیجه‌گیری تحقیق به پایان خواهد رسید.

۱. مفاهیم

الف- پناهنده: پناهنده فردی است که به دلیل ترس موجه از آزار و اذیت به دلایل نژادی، مذهبی، ملیتی، عضویت در گروه‌های اجتماعی خاص یا عقاید سیاسی، خارج از کشور خود قرار گرفته و نمی‌تواند یا به دلیل ترس از آزار و اذیت نمی‌خواهد به کشور خود بازگردد (کنوانسیون ۱۹۵۱، ماده اول).

ب- پناهجو: پناهجو کسی است که درخواست پناهندگی داده است اما هنوز پرونده او بررسی نشده و وضعیت او به عنوان پناهنده تأیید نشده است. پناهجو در واقع در حال طی کردن فرآیند قانونی برای دریافت وضعیت پناهندگی است (UNHCR, 2024).

ج- مهاجر: مهاجر به فردی اطلاق می‌شود که به دلایل مختلف مانند اقتصادی، خانوادگی یا تحصیلی کشور خود را ترک کرده و به کشور دیگری مهاجرت کرده است. برخلاف پناهندگان، مهاجران معمولاً با انتخاب خود و بدون ترس از آزار و اذیت کشورشان را ترک می‌کنند (IOM, 2019).

۲. چارچوب حقوقی ایران در قبال مهاجران افغان

سیاست‌گذاری و مدیریت امور اتباع افغان در ایران عمدتاً تحت نظارت و اجرای سازمان امور اتباع و مهاجرین خارجی (کشور) و با همکاری نهادهای دیگری مانند وزارت کار، وزارت صحت، وزارت تعلیم و تربیه و نیروی انتظامی انجام می‌شود. چارچوب قانونی اصلی شامل موارد زیر است:

۱. قانون ورود و اقامت اتباع خارجه (۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی): این قانون سابق، پایه‌ای برای تعیین شرایط ورود، اقامت و خروج اتباع خارجی است. ماده ۱۶ این قانون، صدور پروانه اقامت را منوط به داشتن «شناسنامه معتبر» و «گواهی نداشتن سوء پیشینه» می‌کند، شرطی که برای بسیاری از افغان‌ها، به ویژه جدیدالورودها یا فاقدان مدارک، دشوار است (Abbasi-Shavazi et al, 2015).

۲. آیین‌نامه اجرایی قانون ورود و اقامت اتباع خارجه: جزئیات بیشتری در مورد انواع روادیدها، اجازه‌نامه‌های اقامت (موقت، دائم) و شرایط تمدید آن‌ها ارائه می‌دهد.

۳. قوانین کار: قانون کار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۹) و آیین‌نامه‌های اجرایی آن، شرایط استخدام اتباع خارجی را تنظیم می‌کند. براساس ماده ۱۲۰ قانون کار، اشتغال اتباع خارجی منوط به اخذ مجوز کار از وزارت کار است. اخذ این مجوز مستلزم داشتن اجازه‌نامه اقامت معتبر و طی مراحل پیچیده‌ای است که اغلب برای افغان‌ها دشوار و پرهزینه است (Farrokh & Karimi, 2018). این امر بسیاری را به سمت بازار کار غیررسمی و آسیب‌پذیر سوق داده است.

۴. قوانین و مقررات تعلیمی: دستورالعمل‌های وزارت تعلیم و تربیه شرایط ثبت نام شاگردان اتباع خارجی را تعیین می‌کند. در سال‌های اخیر گام‌های مثبتی مانند صدور

بخشنامه‌هایی برای ثبت نام تمام کودکان افغان دارای مدرک اقامتی حتی کارت آمایش^۱ برداشته شده است. با این حال، موانعی مانند الزام به ارائه مدارک هویتی کامل (که برای برخی کودکان متولد ایران در دسترس نیست)، هزینه‌های غیرمستقیم و تبعیض‌های اجتماعی همچنان وجود دارد (HRW, 2023; UNICEF, 2022).

۵. قوانین و مقررات صحتی: دستورالعمل‌های وزارت صحت، دسترسی اتباع افغان به خدمات صحتی درمانی دولتی را عمدتاً منوط به داشتن یکی از مدارک اقامتی معتبر مانند کارت شناسائی مهاجرین یا مدرک اقامت و پرداخت هزینه‌هایی معادل اتباع خارجی می‌کند که معمولاً بالاتر از هزینه‌های شهروندان ایرانی است. برنامه‌هایی مانند طرح بیمه سلامت اتباع خارجی مقیم (تحت پوشش سازمان بیمه سلامت ایران) تلاش کرده‌اند تا دسترسی به خدمات صحتی را بهبود بخشند، اما پوشش و اثربخشی آن‌ها محدود و مستلزم پرداخت حق بیمه است (Razavi et al, 2021).

۶. سیاست‌های ویژه: دولت ایران در دوره‌های مختلف، سیاست‌های عفو و ثبت نام ویژه‌ای (معروف به کارت‌های آمایش) را برای افغان‌های فاقد مدرک اجرا کرده است. آخرین مورد آن پس از سقوط کابل در ۲۰۲۱ بود. این کارت‌ها معمولاً اقامت موقت (یک یا دوساله) و دسترسی محدود به برخی خدمات پایه (تعلیم، سلامت اولیه، گاهی اشتغال در مشاغل خاص) را فراهم می‌کنند، اما وضعیت حقوقی بلندمدت و روشنی ایجاد نمی‌نمایند و تمدید آن‌ها نامشخص است (Majidi & Asghari, 2022).

۳. چارچوب بین‌المللی: استانداردهای کلیدی

حقوق بین‌الملل، مجموعه‌ای از قواعد و اصول را برای حمایت از پناهندگان، پناهجویان و مهاجران، صرف نظر از وضعیت اقامتی آن‌ها، ایجاد کرده است. استانداردهای کلیدی مرتبط با وضعیت مهاجران در سطح جهان که مهاجران افغان در ایران نیز شامل آن میشوند عبارت‌اند از:

^۱ کارت شناسائی موقت برای مهاجرین که در ایران داده می‌شود.

۱. اصل منع بازگرداندن^۱: این اصل بنیادین حقوق پناهندگان (منعکس در ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱) و حقوق بین‌الملل عرفی، دولت‌ها را از بازگرداندن («رد کردن» یا «اخراج») فردی به قلمروی که در آنجا جان یا آزادی‌اش به دلایل نژادی، مذهبی، ملیتی، عضویت در گروه اجتماعی خاص یا عقاید سیاسی در معرض تهدید جدی است، منع می‌کند. این حمایت شامل افرادی که هنوز به رسمیت شناخته نشده‌اند (پناه‌جویان) نیز می‌شود (Goodwin-Gill & McAdam, 2021). دامنه این اصل در رویه قضایی و تفسیری به منع بازگرداندن به خطر شکنجه یا رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز (ماده ۳ کنوانسیون منع شکنجه) و نیز نقض فاحش حقوق بشر گسترش یافته است.

۲. حق بر کار^۲: میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حق هر فرد را بر فرصت یافتن کار برای امرار معاش و برخورداری از شرایط کاری عادلانه و مساعد به رسمیت می‌شناسد. کمیته نظارتی این میثاق^۳ تأکید کرده است که این حقوق شامل غیرشهروندانی می‌شود که به‌طور قانونی در قلمرو یک کشور عضو هستند. محدودیت‌های اعمال شده بر اشتغال اتباع خارجی باید ضروری، متناسب و معطوف به اهداف مشروع (مانند اولویت استخدام شهروندان) باشد و نباید به حقوق بنیادین کارگران آسیب بزند یا منجر به استعمار شود (CESCR, General Comment No. 18, 2005; General Comment No. 23, 2016).

۱. حق تعلیم^۴: هر فردی حق دسترسی به تعلیم را دارد. این حق باید بدون تبعیض اعمال شود. تعلیمات ابتدایی باید اجباری و رایگان باشد. تعلیمات متوسطه و عالی باید به تدریج رایگان شود و برای همگان براساس استعداد قابل دسترس باشد. کنوانسیون حقوق کودک تأکید ویژه‌ای بر حق تعلیم برای همه کودکان بدون تبعیض دارد. کمیته حقوق

¹ Non-Refoulement

² ICESCR, Art. 6 & 7

³ CESCR

⁴ ICESCR, Art. 13; CRC, Art. 28

کودک^۱ و کمیته ICESCR^۲ بر عدم تبعیض در دسترسی به تعلیم برای کودکان پناهنده و مهاجر، صرف نظر از وضعیت اقامتی آن‌ها یا والدینشان، تأکید کرده‌اند (CRC Committee, General Comment No. 6, 2005; CESCR, General Comment No. 13, 1999).

۲. حق بر بالاترین استاندارد قابل دستیابی سلامت^۳: دولت‌ها موظف‌اند حق هر فرد را بر برخورداری از بالاترین استاندارد قابل دستیابی سلامت جسمی و روانی به رسمیت شناخته و اقداماتی برای تحقق تدریجی آن اتخاذ کنند. این شامل دسترسی به خدمات صحتی درمانی ضروری، آب آشامیدنی سالم، نظافت محیط و اطلاعات صحتی است. کمیته ICESCR تأکید کرده که این حق شامل غیرشهروندان نیز می‌شود و دولت‌ها باید موانع دسترسی آن‌ها به خدمات صحتی را برطرف کنند (CESCR, General Comment No. 14, 2000).

۳. حق بر تابعیت و جلوگیری از بی‌تابعیتی^۴: کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارد که هر کودکی حق دارد در بدو تولد دارای تابعیت شود. دولت‌ها موظف‌اند به‌ویژه برای جلوگیری از بی‌تابعیتی کودکان، اقدامات لازم را انجام دهند. این امر برای کودکان متولدشده در ایران از والدین افغان که ممکن است نتوانند تابعیت افغانستان را به دست آورند (به دلیل مشکلات ثبت تولد یا سایر موانع) و تابعیت ایرانی نیز به آن‌ها اعطا نمی‌شود، حائز اهمیت حیاتی است. بی‌تابعیتی این کودکان را در معرض محرومیت‌های شدید حقوقی و اجتماعی قرار می‌دهد (UNHCR, 2014).

۴. ممنوعیت اخراج دسته‌جمعی^۵: حقوق بین‌الملل عرفی و رویه قضایی (مانند نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه حق بر اعلام تابعیت) اخراج‌های دسته‌جمعی اتباع خارجی را ممنوع می‌کند. هر تصمیم اخراج باید مبتنی بر ارزیابی فردی شرایط هر شخص باشد و تضمین‌های دادرسی عادلانه (مانند حق اعتراض) رعایت شود (Goodwin- Gill & McAdam, 2021).

^۱ CRC Committee

(ICESCR) کمیته‌ای که به پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظارت می‌کند.^۲

^۳ ICESCR, Art. 12

^۴ CRC, Art. 7

^۵ Mass Expulsions

۴. تحلیل تطبیقی: نقاط اشتراک و افتراق

با تطبیق چارچوب حقوقی و عملی ایران در قبال مهاجران افغان با استانداردهای بین‌المللی فوق، نقاط قوت و ضعف متعددی آشکار می‌شود:

۱. وضعیت اقامت و اصل منع بازگرداندن:

شکاف: اصلی‌ترین چالش، وضعیت نامشخص اقامتی بخش بزرگی از جمعیت افغان در ایران است. بسیاری فاقد هرگونه مدرک معتبر^۱ هستند یا مدارک آن‌ها منقضی شده است. این افراد در معرض خطر دائمی بازداشت و اخراج قرار دارند. گزارش‌های مستند از اخراج‌های دسته‌جمعی افغان‌ها، از جمله آن‌هایی که دارای کارت آمایش معتبر هستند یا ادعاهای پناهندگی دارند، نگرانی جدی در مورد نقض اصل منع بازگرداندن ایجاد می‌کند (Amnesty International, 2023; HRW, 2023). این اخراج‌ها غالباً بدون ارزیابی فردی خطرات پیشروی افراد در افغانستان انجام می‌شود.

نقطه مثبت: اجرای برنامه‌های ثبت‌نام و صدور کارت‌های شناسایی مهاجرین (هرچند موقت و ناکافی) تا حدی تلاشی برای رسمیت بخشیدن به حضور برخی از این افراد و کاهش خطر اخراج فوری برای دارندگان کارت است. ایران همچنین میزبان تعداد قابل توجهی از پناهندگان ثبت‌شده نزد کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل^۲ است که از سطحی از حمایت برخوردارند.

انطباق: عملکرد ایران در این حوزه عمدتاً با استانداردهای بین‌المللی ناسازگار است، به‌ویژه در زمینه اخراج‌های دسته‌جمعی و عدم تضمین ارزیابی فردی و دسترسی به فرآیندهای پناهندگی برای متقاضیان.

۲. حقوق کار و اشتغال:

شکاف: فرایند پیچیده و پرهزینه اخذ مجوز کار، مانع اصلی برای دسترسی افغان‌ها به بازار کار رسمی است. بسیاری از کارفرمایان ایرانی نیز تمایلی به استخدام رسمی افغان‌ها

^۱کارت آمایش یا پروانه اقامت

ندارند. این امر اکثریت قریب به اتفاق کارگران افغان را به بازار کار غیررسمی سوق داده است که در آن در معرض استثمار، دستمزدهای پایین‌تر از حداقل دستمزد قانونی، ساعات کار طولانی، شرایط کاری ناامن و فقدان حمایت‌های اجتماعی^۱ قرار دارند. تبعیض در اشتغال نیز شایع است (Farrokh & Karimi, 2018; ILO, 2020).

نقطه مثبت: در برخی دوره‌ها و برای دارندگان مدارک خاص (مانند پروانه اقامت دائم یا برخی کارت‌های آمایش)، امکان دریافت مجوز کار و اشتغال قانونی در کسب مشخص (اغلب کسب‌های سخت و کم‌درآمد) وجود داشته است.

انطباق: محدودیت‌های شدید و عملی بر دسترسی به کار رسمی و گستردگی کار غیررسمی آسیب‌پذیر، نشان‌دهنده ناهمخوانی قابل توجه با حق بر کار منصفانه و شرایط کاری عادلانه) ماده ۶ و ۷ ICESCR است. دولت ایران در اجرای تعهد خود برای تضمین این حقوق برای کارگران افغان مقیم قلمرو خود قصور داشته است.

۳. حق بر تعلیم:

شکاف: اگرچه سیاست رسمی در سال‌های اخیر به سمت ثبت‌نام تمام کودکان افغان دارای مدرک اقامتی پیش رفته است، موانع عملی زیادی وجود دارد: الزام به ارائه مدارک هویتی کامل^۲ برای بسیاری از کودکان متولد ایران که این مدارک را ندارند. هزینه‌های غیرمستقیم^۳ که برای خانواده‌های فقیر افغان سنگین است، را در قبال دارد. تبعیض اجتماعی: آزار و اذیت کلامی، نگرش‌های منفی برخی معلمان و همصنفی‌ها و حتی مدیران مکاتب، محیطی نامساعد برای کودکان افغان ایجاد می‌کند و منجر به ترک تحصیل، به‌ویژه دختران در مقطع بالاتر، می‌شود (HRW, 2023; UNICEF, 2022). دسترسی به تحصیل عالی برای افغان‌ها بسیار محدودتر و پرهزینه‌تر است و دارای شرایط خاص است.

^۱ بیمه بیکاری، بازنشستگی

^۲ تذکره افغانستان یا گواهی ولادت معتبر

^۳ لوازم التحریر، لباس فرم، حمل و نقل

نقطه مثبت: دستورالعمل‌های اخیر وزارت تعلیم و تربیه برای ثبت نام کودکان دارای کارت آمایش یا سایر مدارک اقامتی، افزایش قابل توجه ثبت نام در مدارس ابتدایی و تا حدی متوسطه را نشان می‌دهد.

انطباق: ایران در زمینه دسترسی به تعلیم ابتدایی برای کودکان دارای مدارک، گام‌های مثبتی برداشته است، اما موانع عملی و تبعیض آمیز، به ویژه برای کودکان فاقد مدرک یا مدارک کامل و در سطوح بالاتر تعلیمی و هم‌چنین محیط تبعیض آمیز، باعث نقض حق بر تعلیم بدون تبعیض (۱۳ ICESCR و ماده ۲۸ CRC) برای بسیاری از کودکان افغان می‌شود.

۴. حق بر سلامت:

شکاف: دسترسی به خدمات صحتی درمانی دولتی با کیفیت و مقرون به صرفه برای افغان‌ها، به ویژه فاقدان مدرک یا دارندگان مدارک منقضی شده، بسیار محدود است. دارندگان کارت آمایش یا پروانه اقامت موظف به پرداخت هزینه‌هایی معادل اتباع خارجی هستند که معمولاً چندین برابر هزینه شهروندان ایرانی است و برای بسیاری غیرقابل پرداخت است. طرح بیمه سلامت اتباع خارجی پوشش محدودی دارد و مستلزم پرداخت حق بیمه است که همه توانایی آن را ندارند. ترس از شناسایی و گزارش به مراجع مهاجرتی توسط مراکز درمانی نیز مانعی دیگر است. این عوامل منجر به تأخیر در مراجعه، عدم دسترسی به مراقبت‌های ضروری و تشدید مشکلات سلامت می‌شود (Razavi et al, 2021; MSF, 2022).

نقطه مثبت: اجرای طرح بیمه سلامت اتباع خارجی و دستورالعمل‌هایی برای ارائه برخی خدمات صحتی اولیه (مثل واکسیناسیون) به دارندگان کارت آمایش، تلاش‌هایی در جهت بهبود دسترسی هستند.

انطباق: موانع مالی و ادبی موجود برای دسترسی افغان‌ها به خدمات صحتی ضروری، نقض حق بر بالاترین استاندارد قابل دستیابی سلامت ماده (۱۲ ICESCR) محسوب می‌شود. دولت ایران در تضمین دسترسی غیرتبعیض آمیز به حداقل خدمات صحتی ضروری برای تمام افراد تحت صلاحیت خود، از جمله مهاجران افغان، قصور دارد.

۵. تابعیت و وضعیت کودکان متولد ایران:

شکاف: قانون تابعیت ایران (مصوب ۱۳۱۳) عمدتاً براساس اصل خون (پدری) عمل می‌کند. به‌ندرت و تحت شرایط بسیار محدود، به کودکان متولد شده از پدر خارجی و مادر ایرانی یا کودکان بی سرپرست/بدون شناسنامه تابعیت اعطا می‌شود. این به معنای آن است که هزاران کودک متولد شده در ایران از والدین افغان، فاقد تابعیت ایرانی هستند. از سوی دیگر، به دلیل مشکلات ثبت تولد در ایران یا افغانستان و الزامات پیچیده اخذ تابعیت افغانستان برای این کودکان، بسیاری از آنها عملاً بی‌تابعیت یا در معرض خطر بی‌تابعیتی هستند (Abbasi-Shavazi et al, 2015; UNHCR, 2014). بی‌تابعیتی این کودکان را از بسیاری از حقوق بنیادین مانند ثبت رسمی تولد، تحصیل، خدمات صحتی و حمایت اجتماعی محروم و آنها را در معرض آسیب‌پذیری شدید قرار می‌دهد.

انطباق: عدم وجود راهکارهای مؤثر در قوانین ایران برای اعطای تابعیت به کودکان متولد شده در خاک این کشور از والدین خارجی که در غیراین صورت بی‌تابعیت می‌مانند، نقض تعهدات ایران تحت ماده ۷ کنوانسیون حقوق کودک (حق هر کودک بر تابعیت و اقدامات دولت برای جلوگیری از بی‌تابعیتی) است.

۵. تحلیل تطبیقی قوانین کار و پروتکل‌های اجرایی مهاجرت در ایران، پاکستان،

آمریکا و اتحادیه اروپا

با افزایش روند مهاجرت در دهه‌های اخیر، ضرورت بررسی تطبیقی قوانین کار و پروتکل‌های اجرایی مرتبط با مهاجران، در کشورهای همسایه و آسیایی بیش‌ازپیش احساس می‌شود. کشورهایمانند ایران، پاکستان، آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا، رویکردهای متفاوتی نسبت به مهاجران و حقوق کاری آنها دارند. در این مقاله باهدف تحلیل تطبیقی این نظام‌های حقوقی در پنج محور کلیدی: حق اشتغال، مجوز کار، حمایت قانونی، مقابله با کار اجباری و دسترسی به عدالت تدوین شده است.

اجمالی تطبیقی جدول

محور / کشور	ایران	پاکستان	آمریکا	اتحادیه اروپا
حق کار	فقط با کارت آمایش و مجوز موقت	نیاز به مجوز رسمی مهاجرت	با مجوز USCIS؛ روشن و متنوع	با اقامت قانونی و کارت آبی
پروانه کاری	هزینه بالا؛ نیاز به کارفرما	ثبت نام مهاجرت؛ محدودیت صنفی	الزامات دقیق اسناد و شرایط	مجوزهای متعدد با هماهنگی فراملی
حمایت قانونی	دسترسی محدود و ضعیف	نظارت ضعیف بر حقوق مهاجر	قانون MSWPA؛ حمایت فراگیر	چارچوب‌های جامع حقوقی و اجتماعی
پروتکل‌های ضد کار اجباری	فاقد الحاق به پروتکل ILO	عضو ILO با اجرای محدود	متعهد به پروتکل ۲۰۱۴ ILO	اجرای کامل دستورالعمل‌های ILO
دسترسی به عدالت	بسیار محدود برای بی‌مدرک‌ها	فقط با حضور فیزیکی در دادگاه	امکان شکایت برای همه مهاجران	دسترسی به نهادهای اروپایی و FRA

تحلیل تطبیقی تفصیلی

در ایران، علی‌رغم وجود کارت آمایش و برخی اسناد حمایتی، ساختار حقوقی نسبت به مهاجران بسیار محدود و وابسته به وضعیت قانونی است. پاکستان تمرکز بیشتری بر اعزام نیروی کار به خارج دارد تا بر حمایت از مهاجران داخل. آمریکا و اتحادیه اروپا در زمینه

ساختار حقوقی و اجرایی پیشرفته‌تر هستند، به‌ویژه با تعهد به پروتکل‌های ILO و پوشش گسترده حمایت از کارگران مهاجر. در مجموع، کشورهای توسعه‌یافته مانند آمریکا و اتحادیه اروپا، در مقایسه با ایران و پاکستان، ساختار قانونی منسجم‌تری برای حمایت از کارگران مهاجر دارند. در حالی که در ایران و پاکستان، ضعف در اجرای قوانین، هزینه‌های بالا و تبعیض ساختاری، مانع تحقق کامل حقوق مهاجران می‌شود.

چالش‌ها و موانع پیشرو

همسویی کامل سیاست‌های ایران با استانداردهای بین‌المللی در زمینه حقوق مهاجران با چالش‌های متعددی روبروست:

چالش‌های اقتصادی: حضور میلیونی مهاجران در شرایط تحریم‌های شدید اقتصادی و رکود، فشار قابل توجهی بر منابع عمومی تعلیم، سلامت، یارانه‌ها، بازار کار وارد می‌کند. این امر توجه‌گر محدودیت‌ها از دیدگاه دولت است.

مسائل امنیتی و اجتماعی: نگرانی‌های امنیتی مرتبط با مرزهای طولانی و نفوذ گروه‌های شورشی و نیز تنش‌های اجتماعی گهگاه بین برخی اقشار جامعه میزبان و مهاجران بر سر اشتغال، مسکن، منابع، بر سیاست‌گذاری مهاجرتی تأثیر می‌گذارد و گاهی منجر به سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تر می‌شود.

فقدان الحاق به کنوانسیون ۱۹۵۱: عدم عضویت ایران در کنوانسیون اصلی پناهندگان، چارچوب حقوقی مشخص و الزام‌آور کمتری برای حمایت از پناهندگان در اختیار می‌گذارد و تفسیر تعهدات دولت را مبهم‌تر می‌کند.

پراکندگی مسئولیت‌ها و ناهماهنگی: مدیریت امور مهاجران بین نهادهای مختلف اعم از سازمان اتباع، وزارت کشور، وزارت کار، وزارت صحت، وزارت تعلیم و تربیه، نیروی

^۱ سازمان بین‌المللی کار یک نهاد تخصصی سازمان ملل متحد است که به مسائل مربوط به کار، حقوق کارگران، استانداردهای کاری و عدالت اجتماعی می‌پردازد.

امنیتی، استانداری‌ها، پراکنده است و گاهی منجر به ناهماهنگی در سیاست‌ها و رویه‌ها می‌شود.

فقدان قانون جامع پناهندگی و مهاجرت: ایران فاقد یک قانون مدرن، شفاف و جامع در زمینه پناهندگی و مهاجرت است که حقوق و تعهدات مهاجران و پناهندگان را به وضوح تعریف کند و رویه‌های دادرسی عادلانه‌مانند فرآیند پناهندگی مستقل را تضمین نماید.

۶. بحران خاور میانه و وضعیت حقوقی مهاجران افغان در ایران

بحران‌های خاورمیانه، به ویژه تنش‌های اخیر میان اسرائیل و ایران، تأثیرات گسترده‌ای بر منطقه و کشورهای همسایه داشته است. این بحران‌ها نه تنها امنیت منطقه را به خطر انداخته‌اند، بلکه وضعیت مهاجران و پناهندگان، به ویژه مهاجران افغان در ایران، را نیز تحت تأثیر قرار داده و موجب تشدید مشکلات اقتصادی و اجتماعی مهاجران افغان شده است.

در مقاله حاضر، تحلیل وضعیت حقوقی مهاجران افغان در ایران با معیارهای بین‌المللی و تأثیر بحران‌های خاورمیانه بر این وضعیت بررسی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که بحران‌های منطقه‌ای، همچون تنش‌های سیاسی و تهدیدهای امنیتی، فشارهای روانی و اجتماعی را بر مهاجران افغان افزایش داده‌اند. این مهاجران که از جنگ و ناامنی در افغانستان به ایران پناه آورده‌اند، اکنون با چالش‌های جدیدی در کشور میزبان مواجه هستند.

یکی از مهم‌ترین اثرات بحران‌های خاورمیانه بر مهاجران افغان، کاهش منابع دولتی برای ارائه خدمات ضروری مانند تعلیم، سلامت و امنیت است. در زمان بحران، دولت‌ها معمولاً تمرکز خود را بر مسائل دفاعی و امنیتی معطوف می‌کنند و توجه کمتری به نیازهای مهاجران دارند. این امر می‌تواند موجب کاهش خدمات حمایتی و افزایش نگرش‌های منفی در جامعه میزبان نسبت به مهاجران شود. هم‌چنین احتمال سخت‌تر شدن قوانین مهاجرتی و افزایش اخراج‌های گروهی از دیگر پیامدهای این بحران‌هاست. مهاجران بدون مدارک معتبر یا دارای وضعیت اقامتی نامشخص، در چنین شرایطی بیشترین آسیب را متحمل خواهند شد.

با وجود این چالش‌ها، اقدام مشترک دولت ایران و جامعه بین‌المللی ضروری است تا

اثرات منفی بحران‌های خاورمیانه بر مهاجران افغان کاهش یابد. تقویت سیاست‌های حمایتی، بسط فرهنگ تسامح اجتماعی، و همکاری بین‌المللی می‌تواند به بهبود وضعیت این جمعیت آسیب‌پذیر کمک کند. بحران‌های منطقه‌ای نباید بهانه‌ای برای نادیده گرفتن حقوق اساسی مهاجران افغان باشند. بلکه باید فرصتی برای بازنگری در سیاست‌ها و تقویت رویکردهای حمایتی دولت‌ها نسبت به این گروه فراهم شود.

از لحاظ انسانی، تنش‌های سیاسی و تهدیدهای امنیتی ناشی از حملات احتمالی اسرائیل به ایران، فشارهای روانی و اجتماعی را بر مهاجران افغان که در شرایط اقتصادی و اجتماعی سخت زندگی می‌کنند، افزایش داده است. این مهاجران که بسیاری از آن‌ها از جنگ و ناامنی در افغانستان گریخته‌اند، اکنون با خطرات جدیدی در کشور میزبان مواجه هستند. علاوه بر این، احتمال وقوع درگیری‌های نظامی می‌تواند منابع محدود دولت ایران را که برای ارائه خدمات به مهاجران اختصاص داده شده است، کاهش دهد و دسترسی آن‌ها به خدمات ضروری مانند تعلیم، سلامت و امنیت را دشوارتر کند. این بحران‌ها، علاوه بر تأثیرگذاری بر اقتصاد و امنیت ایران، شرایط زیستی مهاجران افغان را نیز دشوارتر می‌سازد. مهاجران افغان که پیشتر با مشکلاتی مثل محدودیت در اقامت، دسترسی ناچیز به خدمات تعلیمی و طبی، و تجربه تبعیض اجتماعی مواجه بوده‌اند، اکنون با مسائل و تهدیدات پیچیده‌تری دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

در زمان بحران، معمولاً دولت‌ها تمرکز خود را به امور دفاعی و امنیتی منتقل می‌کنند و به تبع آن، رسیدگی به نیازهای مهاجران در فهرست اولویت‌هایشان کاهش می‌یابد. چنین وضعیتی ممکن است به کاهش منابع عمومی و خدمات حمایتی برای مهاجران افغان منجر شود. از سوی دیگر، فشارهای اجتماعی ناشی از بحران‌های منطقه‌ای می‌تواند موجب افزایش نگرش‌های منفی در جامعه میزبان نسبت به مهاجران شود؛ چرا که شاید عده‌ای آن‌ها را به عنوان عامل فشار اقتصادی یا تهدیدات امنیتی تلقی کنند (UNHCR, 2023). علاوه بر این، احتمال سخت‌تر شدن قوانین مهاجرتی و افزایش اخراج‌های گروهی نیز می‌تواند مطرح باشد، خصوصاً زمانی که نگرانی‌های امنیتی یا اضطراب کاهش خطرات مرزی بروز کنند. در

چنین شرایطی، مهاجران بدون مدارک معتبر یا دارای وضعیت اقامتی نامشخص، در معرض بیشترین مخاطرات و بی‌ثباتی قرار خواهند گرفت (Amnesty International, 2023).

در این میان، اقدام مشترک دولت ایران و جامعه بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و کمیساریای عالی پناهندگان، ضروری است تا بار بحران‌های موجود به حداقل برسد و سیاست‌های حمایتی تقویت شود. هم‌چنین بسط فرهنگ تسامح و همبستگی اجتماعی در میان جامعه میزبان می‌تواند از افزایش تعصبات و تنش‌های داخلی جلوگیری کند. بحران‌های خاورمیانه نباید به‌عنوان دلیلی برای صرف‌نظر کردن از حقوق اساسی مهاجران افغان تلقی شوند. بلکه ممکن است فرصتی برای بازنگری در سیاست‌ها و تقویت رویکردهای حمایتی دولت‌ها نسبت به این جمعیت آسیب‌پذیر فراهم آورد.

از منظر سیاسی، بحران خاورمیانه می‌تواند سیاست‌های دولت ایران نسبت به مهاجران افغان را تحت تأثیر قرار دهد. در شرایط بحرانی، اولویت دولت ممکن است به مسائل امنیت ملی تغییر کند و توجه کمتری به مسائل مهاجرتی و حقوق پناهندگان معطوف شود. هم‌چنین ممکن است نگرانی‌های امنیتی منجر به سخت‌گیری بیشتر در مدیریت مرزها و کنترل مهاجران شود که این امر می‌تواند وضعیت اقامتی بسیاری از افغان‌ها را پیچیده‌تر کند.

در مجموع، بحران خاورمیانه نه‌تنها چالش‌های جدیدی برای دولت ایران ایجاد کرده است، بلکه زندگی میلیون‌ها مهاجر افغان را نیز تحت تأثیر قرار داده است. برای کاهش اثرات منفی این بحران بر مهاجران، همکاری بین‌المللی و حمایت جامعه جهانی از ایران در مدیریت این وضعیت ضروری به نظر می‌رسد.

۶. راهکارها و پیشنهادها

جمهوری اسلامی ایران با توجه به تعهدات بین‌المللی خود در حوزه حقوق بشر و قوانین مرتبط با پناهندگان، موظف به اصلاح سیاست‌ها و بهبود شرایط برای مهاجران افغان است. برخی از این تعهدات شامل موارد زیر می‌شود:

۱. کنوانسیون ۱۹۵۱ وضعیت پناهندگان و پروتکل ۱۹۶۷: این اسناد اصولی چون منع بازگرداندن پناهندگان را تعریف می‌کنند که ایران، هرچند عضو کنوانسیون نیست، به اجرای

عرفی بسیاری از آنها ملزم است.

۲. کنوانسیون حقوق کودک: به عنوان عضو این کنوانسیون، ایران متعهد به تضمین تعلیم، سلامت و حفاظت از کودکان است.

۳. کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار: ایران چندین کنوانسیون مرتبط با حقوق کارگران مهاجر و جلوگیری از استثمار را پذیرفته است.

۴. اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱: ایران ملزم به فراهم کردن دسترسی به آموزش، سلامت و فرصت‌های کاری بر اساس این اعلامیه است.

۵. تعهدات منطقه‌ای و همکاری با کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل: در چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای، ایران وظایفی در راستای حمایت از پناهندگان پذیرفته است.

بر اساس این تعهدات، اصلاح قوانین و سیاست‌ها برای بهبود شرایط زندگی پناهندگان ضروری است. برای کاهش شکاف‌ها و ارتقای انطباق بیشتر با استانداردهای بین‌المللی، راهکارهای زیر به جمهوری اسلامی ایران، برای هرچه بهتر شدن وضعیت مهاجران افغان پیشنهاد می‌شود:

۱. اصلاح قوانین و سیاست‌ها:

تدوین و تصویب قانون جامع پناهندگی و مهاجرت: این قانون باید تعریف روشنی از پناهنده ارائه دهد، فرایند دادرسی عادلانه و مستقل برای بررسی ادعاهای پناهندگی را تضمین کند، وضعیت‌های اقامتی متنوع و پایدارتر (به‌ویژه برای ساکنان طولانی‌مدت و کودکان متولد ایران) را پیش‌بینی نماید و حقوق مهاجران در حوزه‌های کار، تعلیم، سلامت و دسترسی به عدالت را به‌وضوح به رسمیت بشناسد.

اصلاح قانون تابعیت: تسهیل شرایط اعطای تابعیت ایرانی به کودکان متولدشده در ایران از والدین خارجی، به‌ویژه آن‌هایی که در غیر این صورت بی‌تابعیت می‌مانند، مطابق با تعهدات CRC.

¹ UDHR

تسهیل دسترسی به مجوز کار: ساده‌سازی و کاهش هزینه‌های فرایند اخذ مجوز کار برای اتباع افغان دارای مدارک اقامتی معتبر، به‌ویژه در مشاغل موردنیاز.

۲. بهبود اجرا و رویه‌ها:

توقف فوری اخراج‌های دسته‌جمعی: تضمین ارزیابی فردی خطر برای هر فرد قبل از هر اقدام اخراجی و رعایت اصل منع بازگرداندن در تمام موارد. گسترش و تقویت برنامه‌های ثبت‌نام و ساماندهی: اجرای برنامه‌های فراگیر و مداوم ثبت‌نام برای افغان‌های فاقد مدرک و صدور مدارک اقامتی با اعتبار طولانی‌تر و حقوق بیشتر.

رفع موانع عملی دسترسی به تعلیم و سلامت: حذف الزام ارائه شناسنامه افغانستان برای ثبت‌نام شاگردان متولد ایران، افزایش حمایت مالی برای کاهش هزینه‌های غیرمستقیم تحصیل، گسترش پوشش و کاهش هزینه‌های طرح بیمه سلامت اتباع و ادغام آن با بیمه همگانی، تعلیم کارکنان بخش‌های دولتی برای جلوگیری از تبعیض. **مبارزه با کار غیررسمی و استثمار:** افزایش نظارت بر بازار کار، مجازات کارفرمایان متخلف، تسهیل گزارش دهی تخلفات توسط کارگران افغان.

۳. همکاری بین‌المللی:

افزایش کمک‌های بین‌المللی: جامعه بین‌الملل باید فشارهای ناشی از میزبانی میلیون‌ها افغان را با افزایش قابل‌توجه کمک‌های مالی و فنی به ایران برای ارائه خدمات تعلیمی، صحتی و حمایتی به مهاجران، به رسمیت بشناسد و کاهش دهد.

همکاری با کمیساریایی عالی پناهندگان: تقویت همکاری با کمیساریایی عالی پناهندگان سازمان ملل در زمینه ثبت‌نام پناهندگان، ارائه خدمات حمایتی و یافتن راه‌حل‌های پایدار (بازگشت داوطلبانه، ادغام محلی، اسکان مجدد).

۴. مبارزه با تبعیض و افزایش آگاهی:

اجرای برنامه‌های آگاهی‌رسانی و ظرفیت‌سازی: برای مقامات دولتی، کارکنان تعلیم و سلامت و عموم مردم جهت مقابله با کلیشه‌ها و نگرش‌های تبعیض‌آمیز علیه افغان‌ها و

ترویج فرهنگ مدارا و انسجام اجتماعی.

نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی حاضر نشان می‌دهد که اگرچه جمهوری اسلامی ایران بار تاریخی سنگینی را در میزبانی میلیون‌ها مهاجر و پناهنده افغان بر دوش کشیده و اقداماتی را برای ساماندهی و ارائه برخی خدمات به آن‌ها انجام داده است، اما شکاف‌های عمیقی بین قوانین، سیاست‌ها و رویه‌های جاری این کشور با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر و حقوق پناهندگان وجود دارد. وضعیت نامشخص اقامتی بخش بزرگی از افغان‌ها، محدودیت‌های شدید در دسترسی به کار رسمی و گستردگی کار غیررسمی آسیب‌پذیر، موانع عملی و تبعیض آمیز در مسیر تحصیل کودکان، چالش‌های دسترسی به خدمات صحتی مقرون‌به‌صرفه، خطر بی‌تابیتی برای کودکان متولد ایران و به‌ویژه گزارش‌های مستمر از اخراج‌های دسته‌جمعی که اصل بنیادین منع بازگرداندن را نقض می‌کنند، از مهم‌ترین نگرانی‌ها هستند.

این شکاف‌ها نه‌تنها حقوق بنیادین ده‌ها هزار انسان را نقض می‌کند، بلکه به ایجاد چرخه‌های فقر، حاشیه‌نشینی و آسیب‌پذیری دامن می‌زند که در نهایت به ضرر ثبات و توسعه اجتماعی و اقتصادی هر دو کشور ایران و افغانستان است. رفع این چالش‌ها مستلزم اراده سیاسی قوی در ایران برای اصلاحات ساختاری (به‌ویژه تدوین قانون جامع پناهندگی و مهاجرت و اصلاح قانون تابعیت)، بهبود جدی در اجرای قوانین و سیاست‌ها با تمرکز بر رفع تبعیض و تضمین دسترسی به خدمات اساسی و همکاری گسترده‌تر و مسئولانه‌تر جامعه بین‌المللی برای تقسیم بار مسئولیت و ارائه حمایت‌های لازم است. تنها از طریق رویکردی مبتنی بر حقوق بشر و همکاری بین‌المللی است که می‌توان آینده‌ای امن و محترمانه را برای مهاجران افغان در ایران تصور کرد و به نفع توسعه پایدار منطقه اقدام نمود.

این در حالی است که قوانین مرتبط به مهاجرت در کشورهای جهان اعم از امریکا و اروپا به نفع مهاجران است؛ برای رسیدن به شرایط ایده‌آل باید کشورهایی همانند ایران و پاکستان، قوانین مرتبط به مهاجرت را برای بهتر شدن وضعیت مهاجران، از نو بازنگری کنند. براساس یافته‌ها، وضعیت حقوقی مهاجران افغان در ایران با استانداردها و موازین

بین‌المللی حقوق بشر و حقوق پناهندگی فاصله قابل توجهی دارد. از مهم‌ترین معضلات می‌توان به ابهام در تعیین وضعیت اقامت بسیاری از افغان‌ها، محدودیت‌های جدی در دسترسی به بازار کار رسمی، بهره‌کشی در مشاغل غیررسمی، موانع تحصیل برای کودکان فاقد مدارک، هزینه‌های بالا و دسترسی تبعیض آمیز به خدمات صحتی، و عدم ارائه تابعیت به کودکانی که از والدین افغان، در خاک ایران متولد شده‌اند اشاره کرد.

نگرانی‌های دیگری که در این اواخر با توجه به بحران‌های خاورمیانه، مخصوصاً حمله اسرائیل به جمهوری اسلامی ایجاد شده است، قابل توجه است. زیرا ممکن است از این به بعد اولویت جمهوری اسلامی به امنیت کشورش جلب شده و مسأله مهاجرین حاشیه‌ای شود. این نگرانی مانند اخراج‌های گسترده گروهی و نادیده گرفتن اصل منع بازگرداندن دیده شده است. هرچند ایران اقداماتی نظیر ثبت نام کودکان دارای مدارک اقامتی و اجرای برنامه‌ای برای بیمه سلامت اتباع خارجی را به انجام رسانده، اما این اقدامات محدود بوده‌اند و تحول کلان‌تری در این زمینه نیاز است.

منابع و مأخذ

ایسنا، (۱۴۰۴) خروج بیش از ۷۱۷ هزار افغان غیرمجاز از کشور در سال جاری؛ تعیین تکلیف اتباع دارای برگه سرشماری، به‌زودی، قابل دسترسی:

<https://www.isna.ir/news/1404041709814>

Goodwin-Gill, G. S, & McAdam, J, (2021), **The refugee in international law**, Oxford University Press, 4th ed

Hathaway, J. C, (2021), **The rights of refugees under international law**, Cambridge University Press, 2nd ed

Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), (1999), General Comment No. 13: The right to education (Article 13). E/C.12/1999/10

Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), (2000), General Comment No. 14: The right to the highest attainable standard of health (Article 12). E/C.12/2000/4

Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), (2005), General Comment No. 18: The right to work (Article 6). E/C.12/GC/18

Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), (2016), General Comment No. 23: The right to just and favourable conditions of work (Article 7). E/C.12/GC/23

Committee on the Rights of the Child (CRC Committee), (2005), General Comment No. 6: Treatment of unaccompanied and separated children outside their country of origin. CRC/GC/2005/6

European Union Agency for Fundamental Rights, (2022), Handbook on European law relating to asylum, borders and immigration, Available: <https://fra.europa.eu>.

Farrokh, S, & Karimi, F, (2018), The situation of Afghan workers in the informal sector in Iran: A case study of Tehran. *International Migration*, 56(4), 170-185, Available: <https://doi.org/10.1111/imig.12432>

Human Rights Watch (HRW), (2023), They Don't Treat Us like Human Beings: Abuse of Afghans in Iran and Pushbacks to Afghanistan, Available: <https://www.hrw.org/report/2023/06/13/they-dont-treat-us-human-beings/abuse-afghans-iran-and-pushbacks-afghanistan>

Human Rights Watch, (2013), Unwelcome Guests: Iran's Violation of Afghan Refugee and Migrant Rights, Available: <https://www.hrw.org/report/2013/11/20/unwelcome-guests/irans-violation-afghan-refugee-and-migrant-rights>

International Labour Organization (ILO), (2020), The impact of the COVID-19 pandemic on refugees and other forcibly displaced persons in the Islamic Republic of Iran, Available: https://www.ilo.org/beirut/publications/WCMS_749819/lang--en/index.htm

International Labour Organization, (2014), Protocol of 2014 to the Forced Labour Convention, 1930, Available: <https://www.ilo.org>

OM, (2019), Glossary on Migration, **International Organization for Migration**, Available: https://publications.iom.int/system/files/pdf/iml_34_glossary.pdf.

Majidi, N, & Asghari, S, (2022), Afghan displacement to Iran: Protection gaps and solutions, **Mixed Migration Centre**, Available: <https://mixedmigration.org/resource/afghan-displacement-to-iran-protection-gaps-and-solutions>.

Médecins Sans Frontières (MSF), (2022), Iran: Afghan refugees and migrants face barriers to healthcare, Available: <https://www.msf.org/iran-afghan-refugees-and-migrants-face-barriers-healthcare>.

Migration Policy Institute, (2025), Afghan Refugees in Iran: Legal Status and Access to Services, Available: <https://www.migrationpolicy.org>

Razavi, S. D, Karami, M, & Yarmohammadian, M. H, (2021), Access to healthcare services for Afghan immigrants in Iran: A qualitative study, **International Journal for Equity in Health**, Available: <https://doi.org/10.1186/s12939-021-01424-3>

UNHCR, (2014), Global Action Plan to End Statelessness: 2014-2024, Available: <https://www.unhcr.org/protection/statelessness/54621bf49/global-action-plan-end-statelessness-2014-2024.html>

UNHCR, (2023), Afghanistan situation: Iran fact sheet, Available: <https://reporting.unhcr.org/iran>.

UNHCR, (2024), Asylum-seekers. United Nations High Commissioner for Refugees, Available: <https://www.unhcr.org/asylum-seekers.html>

UNICEF, (2022), Afghan children in Iran: Ensuring access to inclusive and quality education, Available:

<https://www.unicef.org/iran/media/1481/file/Afghan%20children%20in%20Iran%20-%20Education%20brief.pdf>

U.S. Department of Labor, (2023), Migrant and Seasonal Agricultural Workers Protection Act, Available: <https://www.dol.gov>

Abbasi-Shavazi, M. J, Sadeghi, R, & Hosseini-Chavoshi, M. (2015). Adaptation of Afghan refugees in Iran: Current challenges and future prospects. *Migration and Development*, Available:

<https://doi.org/10.1080/21632324.2015.1022971>

Amiri, R, & Tafreshi, D. L. (2022), The limbo of Afghan refugees in Iran, **Middle East Institute**, Available:

<https://www.mei.edu/publications/limbo-afghan-refugees-iran>

Amnesty International, (2023), Iran: Deported to danger: Iran's forced returns of Afghans to Taliban persecution, Available: <https://www.amnesty.org/en/documents/mde13/6895/2023/en>

Amnesty International, (2023), Afghanistan: The plight of refugees in Iran, Available: <https://www.amnesty.org>

United Nations High Commissioner for Refugees, (1951), Convention relating to the status of refugees. Geneva: United Nations, Retrieved from, Available: <https://www.unhcr.org>